

چگونه چشمان "سرمایه داری پیرامونی" حکمتیست های "سازمان سوسیالیست های کارگری افغانستان"، در برابر اشغالگران کوری میکند؟!

یکی از رفقای کمیته مرکزی سازمان کارگران افغانستان (م.ل.م) به تاریخ 23 ماه اپریل، وبسایت "سازمان سوسیالیست های کارگری" را مرور نموده، از مشاهده اینکه اعلامیه ء به مناسبت روز جهانی کارگر آن "سازمان" در اخیر خویش تاریخ "اول می 2014" میلادی، را دارد به شگفتی اندر شده است!!! ممکن است این اعلامیه چندین روز ماقبل از تاریخ مرور این رفیق، در وبسایت "سوسیالیست های کارگری" نشر شده باشد. پرسش این است که چرا در تاریخی دست کم یک هفته ماقبل بر اول می، حکمتیست های "کارگری" تاریخ یک هفته بعد را درج نموده اند؟ آنها میتوانند مثلاً اعلامیه خود را چیزی از قبیل "به پیشواز اول می" عنوان دهند تا از اتهام جعل تاریخ نگارش یا انتشار در امان باشند!!! آیا چنین جعلکاری، موضوعی ساده و بر مبنای "خط" یا سهل انگاری است، یا اینکه، موضوعی است دارای ریشه ای عمیق در اپورتونیزم و رویونیسم؟ برای دریافت پاسخ به این پرسش، بیایید ببینیم که چشمان حکمتیست های ما مصاب "تزدیک بینی" است، یا "دور بینی"؟ یا اینکه "خدای ناخواسته" آنها "شب کوری" یا شاید هم "کوری" سیاسی مطلق دارند؟ حکمتیست های وطنی که وضعیت نیمه فئودالی-مستعمره "وطن خویش" را نمی بینند، حق دارند که تسمیه ء (من در آوردی) "سرمایه داری پیرامونی" را وضع کنند! دست کم، آنان را اندکی آزرمت افتاده است تا صریحاً از چیزی از قماش "سرمایه داری پیشرفته" در افغانستان سخن نگویند! از آنجایی که آنان با بورژوازی بروکرات کمپرادور و امپریالیزم پیمان بسته اند، در خصوص ذکر اسم طبقه ی بورژوازی بروکرات کمپرادور و اشغال امپریالیستی "سکوت" اختیار نموده اند. پس برایشان چه "بهرتر" که دست به وضع یک "اصطلاح" جدید بزنند. همان است که آنان به "سرمایه داری پیرامونی" رسیده اند!!!

برای آنکه بدانیم زیر کاسه ء این به اصطلاح "سرمایه داری پیرامونی" چه نیم کاسه است، و برای آنکه مطمئن شویم که حکمتیست های وطنی این اصطلاح را برای جلوگیری از به کارگیری تسمیه ء صحیح کاپیتالیزم بروکراتیک که "بوی مائوئیستی" دارد به کار گرفته اند، بیایید ببینیم که در تحلیل آنان از انتخابات پوشالی ریاست جمهوری و شورای ولایتی، چه "نفرین" ها یا دست کم چه "انتقادی" متوجه ء امپریالیست های اشغالگر و طبقه ء حاکمه ء افغانستان شده است؟! آیا این حکمتیست ها که در اعلامیه ء خویش نفرین به "سرمایه داری افغانستان" را ساز کرده اند، آیا امپریالیست های اشغالگری را که پشتوانه ء "سرمایه داری پیرامونی" افغانستان است، "می بینند" یا اینکه چشمان شان کوری میکند. بیایید اعلامیه ء شانرا در اینجا بعینه نقل کنیم:

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان سوسیالیستهای کارگری افغانستان در رابطه با انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات شورا های ولایتی

Categories:

[مطالب تازه](#), [سیاست](#), [سوسیالیسم](#), [سازمان](#), [افغانستان](#), [اعلامیه](#), [اجتماعی](#)

by [admin](#)

April 1, 2014



آرم سازمان

هیچ نیروی دیگری جز سوسیالیسم کارگری نمیتواند طبقه کارگر و زحمتکشان افغانستان را نماینده گی نماید.

تحلیل شرایط سیاسی و طبقاتی در افغانستان نشان میدهد که برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، پارلمانی و شوراهای ولایتی چیزی نیست جز مشروعیت بخشیدن به نظام طبقاتی سرمایه و حفظ این سیستم در چارچوب حفظ مالکیت خصوصی و استثمار طبقه کارگر و زحمتکشان. در یک تعریف مارکسیستی انتخابات در نظام کاپیتالیستی خود نوعی از اعمال دیکتاتوری طبقاتی طبقات حاکم بورژوازی می باشد، که برای ادامه حیاتش رنگ و چهره دموکراتیک اختیار نموده است. بورژوازی زیر نام "مردم سالاری" و برخورداری شهروندان در تعیین و گزینش نظام سیاسی، مردم را فریب داده و بر بستر این فریب سیستم دلخواه خویش را به وسیله و تحت عنوان انتخاب خود مردم، برقرار و استوار نگاه می دارد. انتخابات در تمام جوامع مبتنی بر حاکمیت های بورژوایی، منجمله افغانستان، در راستای جلوه دادن منافع طبقه حاکمه به عنوان منفعت کل جامعه و بر کسب مشروعیت قدرت نماینده گان بورژوازی از طیف های گوناگونان، استوار است؛ بورژوازی تداوم حیات و سیادت طبقاتی اش را در وجود چنین نظام های استثمار می بیند و تاریخا نیز انتخابات کارکردش به حیث یک شیوه مطلوب مشروعیت بخشیدن به قدرت بلامنازع بورژوازی و طبقات حاکم را به اثبات رسانیده است.

از آنجائی که اصل مسأله بر سر وجود و عدم وجود یک چنین سیستم استثمارگرانه است، بناءً ما اعتقاد داریم که نفس وجود انتخابات در مناسبات کاپیتالیستی و استفاده از امکان مشارکت "دموکراتیک" برای رسیدن به هدف نهائی رهایی طبقه کارگر و برچیدن نظام مبتنی بر طبقات از این طریق نه تنها که میسر نیست بلکه درکی است ساده لوحانه، ارتجاعی و خام. این درک و تبیین که این روزها محلی از بروز یافته است بخشاً محصول تفکر چپ بورژوا-ناسیونالیست و پوپولیست شکست خورده کارزار جنگ سرد می باشد، که با تبختر تمام علت سقوط و فروپاشی سیستم سرمایه داری دولتی و یا سوسیالیسم بورژوایی در بلوک شرق را تنها در نبود دموکراسی در آن، خلاصه میکند. سازمان سوسیالیستهای کارگری افغانستان در پهلوی باورمندی فوق الذکر و نیز با درک این مسأله که رژیم های برآمده از صندوق انتخابات، هرچند مدنی تر از رژیم های اختناق، پلیسی و امارت های اسلامی مثل طالبان و یا حکومت جهادی ها در دهه نود افغانستان اند، اما در کل نیروهای حاضر در جدال قدرت را مجری استبداد، نابرابری و بیحقوقی اکثریت محروم و حافظ منافع اقلیت مفتخوار و سیادت طبقاتی آنها می داند.

لذا توأم با تغییر وضعیت و مهمتر از همه افشای ماهیت نیروها و نهادهای بورژوایی و با زوده شدن هرچه بیشتر گرد توهم در اذهان مردم و تجربه این چند سال اخیر، جنبش سوسیالیستی و پیشروان طبقه کارگر با باورمندی به امر رهایی و با اراده

آهنین و خلل ناپذیر به نبرد مستقلانه خودش در جهت تشکل یابی کارگران و زحمتکشان در مبارزه علیه تمامی دستگاه بورژوازی و نهاد های مذهبی و ناسیونالیسم قومی ادامه داده و هر چه مصمتر به پیش میشتابد. سازمان سوسیالیستهای کارگری افغانستان و پیشروان امر رهائی طبقه کارگر تحت هیچ عنوان و بهانه بی به دفاع از این و آن فیگور و نماینده بورژوازی افغانی، که در حقیقت هدف و استراتژی هر یک از این فیگورها و شخصیتها چیزی نیست جزء مستحکم ساختن وهویت بخشیدن ومشروعیت دادن به کلیت سیستم بورژوایی حاکم و سیادت طبقاتی آن، بر نخوایسته و بر نخواهد خواست. بلکه برعکس با استفاده از همه امکانات که در دست دارد، دست به افشای همه جانبه تمامی این دستگاه و ارکان قدرتش زده و در جهت شکل دادن به صف مستقل و جداگانه سوسیالیسم کارگری و تحزب اش تلاش و پیکار می کند. بدین وسیله از تمام کارگران، زنان، جوانان، روشنفکران آگاه و آزادیخواه دعوت می نمائیم تا با این نگاه انقلابی به امر انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات پارلمانی و شوراهای ولایتی در کشور، بنگرند و تثبیت صف قدرت مند سوسیالیسم کارگری را یکی از اهداف اساسی خود، قرار دهند.

سازمان سوسیالیستهای کارگری افغانستان اعلام می دارد که در همه عرصه ها سیاست های عوام فریبانه تمام نماینده گان بورژوازی برای احراز قدرت سیاسی در افغانستان را افشا نموده و اعتقاد راسخ دارد که هیچیک از سرمایه داران و نماینده گان آنها نه تنها که طبیعتاً نمیتوانند نماینده گان واقعی طبقه کارگر و زحمتکشان کشور باشند، بلکه برعکس بر اساس تحلیل شرایط امروزی جامعه و شناخت از سیاستها و پراتیک همه مدعیان قدرت، در هر هیئت و شکل و ادعایی که وارد صحنه دست یافتن به اهرام قدرت سیاسی کشور شوند، ارمغانی جز تداوم وضعیت کنونی، تحمیل هر چه گسترده تر فقر، بدبختی و فلاکت چیز دیگری برای اکثریت محروم جامعه افغانستان در پی ندارند. ما اعتقاد داریم که ایجاد و آراستن صف جداگانه انقلابی و طبقاتی کارگران و زحمتکشان یگانه الترناتیف مبارزاتی برای خلاصی از وضعیت کنونی و شکل دادن به جامعه است که در آن انسان از شأن و حرمتی برخوردار باشد. ما برای چنین امر شریف و انسانی تلاش می نمائیم و مطمئناً کارگران، سوسیالیستها و جنبش آزادیخواهی با سازمانیابی و تحزب شان است که تحقق این امر را میسر می سازند.

زنده باد سوسیالیسم !

شورای مرکزی سازمان سوسیالیستهای کارگری افغانستان

آیا حکمتیست های "ما" که اینهمه "وجود و عدم وجود یک سیستم استمارگرانه" را به بررسی گرفته و بر مبنای "سرمایه داری" دانستن جامعه و "خویش" در برابر آن "موضع" گرفته اند، ذکری ولو گذرا از اشغالگران امپریالیست و نقش شان در انتخابات پوشالی کرده اند یا خیر؟ قسمی که در اعلامیه ابلا می بینید کوچکترین ذکری از این مسئله نیست. آیا این موضوع را حمل بر "غفلت" سیاسی در بررسی از کاراکتر "انتخابات" 16 حمل از سوی شان کنیم، یا حمل بر تصادف کنیم؟ تصادفی نمی تواند توجیه کننده این "خاموشی" باشد. "خاموشی" گزیدن در خصوص بررسی امری که "سرنوشت" وطن شانرا رقم زده است (یعنی اینکه شاه شجاع چهارم را به مثابه و خنجر خونریز اشغالگران امپریالیست، در برابر خلق های بی دفاع صیقل داده است)، یعنی به بررسی نگرفتن نقش امپریالیست های اشغالگر در انتصابات اخیر، موضوعی نیست که پای تصادف را بتوان به عرصه آن کشانید. امری به چنین اهمیت، نمی تواند از سر "تصادف" از قلم حکمتیست ها بیافتد. اگر این "خاموشی" شانرا ناشی از "غفلت" یا خبط سیاسی شان بدانیم، باز راهی به دهی نمی بریم. حکمتیست های ما، حتی بر تمامت جنبش کمونیستی می تازند، و با آنکه مزورانه گاهگاه نامی از لنین میبرند، جز منصور حکمت و حکمتیسم کسی و چیزی را به هیچ نمی گیرند، پس چگونه ممکن است که چنین "کمونیست های کارگری" اعجوبه که حتی استالین و مائو را (و صد البته که نه تروتسکی و منصور حکمت را) "به نقد" کشیده اند، مصاب "غفلت" سیاسی" شده باشند؟؟؟ از اینجا معلوم میشود که "خاموشی" شان، ناشی از عمد و ابرام در از قلم انداختن "ذکر شر"

امپریالیست های اشغالگر است. این موضوع به وضوح میرساند که همانگونه که منصور حکمت و حکمتیست های ایرانی، در برابر امپریالیسم سپر افکنده اند، "چتل نویس" افغانستانی شان نیز هرگز دهان به مذمت امپریالیسم و اشغال امپریالیستی افغانستان نگشوده و نخواهند گشود. آیا بالاتر از این میتوان تسلیم شدن سراغ گرفت. این حکمتیست ها، تسلیم طلب نیستند. اینها سراپا در خدمت امپریالیست های اشغالگر بوده، و به امپریالیسم تسلیم شده اند. حتی شماری از رسانه های پوشالی که در کابل و ولایات در زیر سرنیزه های اشغالگران امپریالیست و در سایه اهریمنی رژیم پوشالی نشرات میکنند نیز قایل و گویای آن اند که "نیرو های خارجی" و عمدتاً امریکاء در "سرنوشت" آنچه که آنها "انتخابات" می نامند، دست اندازی نموده و تاثیر گذاری صریح دارند. حزبی پوشالی و سرکاری راجستر شده در وزارت عدلیه و رژیم پوشالی بنام "حزب همبستگی افغانستان" که تقاله "علنی" سازمان رهایی افغانستان است، این حد تزویر را بلد شده است که جهت خاک پاشیدن در چشم خلق، اکت و ادای ضد اشغالگری در آورده و اعلام دارد که انتخابات حمل 1393 پوشالی بوده و خارجیان اند که سرنوشت این انتخابات را تعیین میکنند. از بحث دور نشویم. حزب همبسته گی پس از سالها تسلیم شدن و کمپاین نمودن به "دموکراسی" امپریالیست های اشغالگر و رژیم پوشالی دست نشانده آنها، به این "درک" هر چند ریآمیز رسیده است که از این بیش نمی تواند سنگ رژیم پوشالی و انتخابات تدویر یافته بوسیله امپریالیست های اشغالگر را در سینه زد. اما "سازمان سوسیالیست های کارگری افغانستان" که سالهاست خود را یک تشکل "چی" و "کمونیستی" مخفی میداند، هنوز به این "درک" و "اقرار" نرسیده است که امپریالیست های اشغالگر را مهندسان اصلی انتخابات پوشالی خوانده، و حین "تقبیح" انتخابات، به آنان نفرین فرستد. برج عاج نشینان این "سازمان" با آنکه فرنگ نشین اند، جرئت آنرا ندارند (یا درست است باید گفت که: نمی خواهند) که حتی یک حرف در مورد انتخابات مهندسی شده از سوی اشغالگران به قلم آورند. این "عدم جرئت" تصادفی نیست. در حقیقت، "بی جرنتی" در کار نیست! این حکمتیست ها، در برابر امپریالیست های اشغالگر تسلیم شده اند، و چاره و کار را در آن یافته اند که بی آنکه علیه اشغالگران امپریالیست و انتخابات پوشالی مهندسی شده از سوی اشغالگران شعار دهند، مستقیم "سرمایه داری" و "طبقه و سرمایه دار" افغانستان را آماج قرار میدهند. اگر کسی از افغانستان نباشد، و فرضاً در مورد این کشور و وضعیت 12 ساله اخیر اشغالی این کشور معلوماتی نداشته باشد، با خواندن "اعلامیه" سازمان حکمتیست "افغانستانی" چنین می انگارد که افغانستان کشوری است "سرمایه داری" و در این کشور، این بورژوازی است که باید بوسیله پرولتاریای "سوسیالیسم کارگری" از مسند اقتدار به زیر کشیده شود! یرسش بنیادین ما از حکمتیست ها این است که: شما که تروتسکیسم شرمسار تان، شما را در برابر امپریالیسم و اشغال امپریالیستی "صبور" ساخته است، چگونه به این حد "کور" میشوید که اشغال و انتخابات پوشالی مهندسی شده را نمی بینید، و به جای آن، از بورژوازی ناله سر میدهید؟ نکند که شما "ملتی" مستقل و به دور از تجاوز امپریالیستی بوده و با این استقلال ملی، علیه بورژوازی "ملی" خویش می توفید؟ نکند که شما به شکل "مخفی" همانگونه که کاپیتالیزم بروکراتیک را با نام مستعار "سرمایه داری بیرونی" تحریف کرده اید، اینک "بورژوازی ملی" خویش را، تحت نام "بورژوازی" محض تحریف میکنید. اگر چنین نمی بود، و اگر شما مداحان بورژوازی ملی بت خانه ی ذهن تان نمی بودید، گزیری جز آن نداشتید که بورژوازی بروکرات کمپرادور را که در تبنانی با اشغالگران، خلق ما را سرکوب وحشیانه نموده است، از قلم نمی انداختید. گزیری جز آن نداشتید که از خود فروخته گی این بورژوازی در برابر اشغالگران امپریالیست یاد کنید. گزیری جز آن نداشتید که انتخابات مهندسی شده از سوی امپریالیست های اشغالگر را

تقییح کنید، نه انتخاباتی را که بورژوازی "مستقل" خیالی بتکده و اندیشه و بیمار و تروتسکی زده و شما به گونه و موهوم فرا تراشیده است! شما که در اعلامیه و دیگر خود که به مناسبت "اول می" از "سرمایه داری پیرامونی" در افغانستان برده برداشته اید، چگونه شد که برده دار تجاوز عریان سرمایه و امپریالیستی در کشور خویش شده، و بیش از دوازده سال سیطره و امپریالیست های اشغالگر را بر افغانستان نمی بینید؟ شما که کور حدود 13 سال تجاوزگری امپریالیست ها بر کشور خویش هستید، شما که در خیالکده و بیمار خویش، مرحله تراشی کرده و جامعه را به مرحله ای بالاتر (بدون توجه و بهتر است گفت با انکار این نکته که: در موجودیت امپریالیزم دیگر امکان رشد آزاد و ایجاد سرمایه داری "بازار آزاد" برای کشور های عقب نگهداشته شده ممکن نیست) جهش داده اید، آیا خود نارودنیک های خرده بورژوا نیستید؟ آیا نبوغ "پیرامونی" تان، نشان دهنده و "حماقت" روستایی خود تان نیست؟ شما که به طبقه و کارگر ایمان ندارید و بویی از سوسیالیسم علمی نبرده اید، در گرداب سانترسیم تروتسکیستی، هر چه انحراف است، می ورزید، و بعدش بی شرمانه پای پرولتاریا و مارکسیسم را در میانه میکشید! شما کور تجاوز امپریالیستی و "بینای" موجودیت سرمایه داری در کشور خویش هستید! از همین رو است که چشمان "سرمایه داری پیرامونی" تان از جمجمه و یوسیده و تروتسکی، با "نبوغ" منصور حکمت، در برابر "انتخابات" مهندسی شده از سوی اشغالگران امپریالیست کوری میکند. از همین رو است که شما مشروعیت انتخابات را "به چالش میکشید" اما ذکری از مهندسان این انتصابات نمی کنید. از همین رو است که شما نه در اعلامیه و "اول می" تان، و نه در اعلامیه و کذابی به مناسبت "انتخابات" تان، ذکری از اشغالگری امپریالیست ها و یادی خیانت های بورژوازی بروکرات کمپرادور طی بیش از 12 سال اخیر نمی کنید. آری! شما از لحاظ سیاسی، واقعا کور هستید! شما با این کوری، آیا شرم آور نیست که هنوز ادعای دفاع از "مارکسیسم" را قلقه کرده و با یوپولیسم نارودنیک، در برابر تاریخ جنبش کمونیستی کشور شکلک در آورده، و با سانترسیم تروتسکی وار خود، سوسیال شوونیست از آب بر آمده، و سرانجام با منشویسم و اکونومیسم عریان خویش، "چپ سنتی" را به صلیب میکشید! شما که حتی سزاوار نام چپ نیستید و "تولد" نامیومون تان، انومالی ای از زهدان یوپولیزم منصور حکمتی است، همانگونه که ریشه در مبارزه طبقاتی در افغانستان ندارید، در سطح بین المللی نیز، بخشی از "گردان" دست آموز امپریالیست ها بوده، و تمام کمونیست های دنیا، مقتدای شما یعنی منصور حکمت را به مثابه و یک کارگزار امپریالیسم بین المللی تقبیح و طرد نموده است. با چشمان "پیرامونی" خود، بروید و "سناریوی سیاه و سفید" منصور حکمت را از سر بخوانید، باشد که توهمات این موناوشیست هوا خواه تجاوز امپریالیستی به ایران را درک و هضم نموده، و سناریو های "وطنی" خویش را بیش از پیش رنگ و بوی "حکمت" و "کارگری" بخشید!!!

سازمان کارگران افغانستان (م.ل.م)